

## کرامت انسان در سیرهٔ امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی محمدی\*

### اشاره

جامعه بشری، تنها در دهه‌های اخیر به بحث درباره حقوق بشر پرداخته و حدود هفتاد سال پیش، اعلامیه حقوق بشر به تصویب رسیده است؛<sup>۱</sup> ولی اسلام عزیز، بیش از یک‌هزار و چهارصد سال پیش، به کرامت انسانی توجه ویژه‌ای کرده که به مراتب از اعلامیه حقوق بشر، کامل‌تر و سودمندتر است. از دیگر سو، یکی از مهم‌ترین علت‌های بسیاری از معضلات جوامع امروزی، کم‌توجهی به کرامت انسانی است. به یقین، اگر اعضای جامعه بشری کرامت یکدیگر را ارج می‌نهادند، امروزه شاهد این همه مشکلات همانند: اختلاف‌های خانوادگی و قبیله‌ای، نزاع‌ها و کشمکش‌ها، افزایش طلاق، فقر و اختلاف طبقاتی نبودیم. از این رو، برای حلّ مصائب و ناهنجاری‌های جامعه،

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، با هدف تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به تصویب رسید.

بایسته است به کرامت انسانی توجه ویژه شود. کرامت انسانی، یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است که در اسلام نیز به آن توجه وافری شده است. در این بین، جهت ارائه الگویی عملی برای کرامت انسانی، شایسته است به بهترین الگوهای کرامت، یعنی پیامبر و اهل بیت مطهر ایشان مراجعه کنیم که امام حسین علیه السلام یکی از بهترین الگوهای بشریت است؛ چنان‌که خود آن حضرت نیز فرموده: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ؛<sup>۱</sup> من برای شما الگو هستم.»

در این مقاله، بر آنیم با نگاهی به کرامت انسانی، جلوه‌های کرامت در سیره حسینی را بررسی نموده، از سیره امام حسین علیه السلام درس زندگی بیاموزیم و البته برای نیل به چنین هدف مقدسی، باید از گناه دوری کنیم، آبروی یکدیگر را نریزیم و روحیه عزتمندی خویش را تقویت نماییم.

### الف. تعریف کرامت

«کرامت»، در لغت به معنای تعظیم و تنزیه، بزرگواری، شرافت، بخشندگی و سخاوت، ارزشمندبودن، عزیزبودن و ضدّ دنائت و پستی است.<sup>۲</sup> کرامت، جامع همه خیرات و فضایل و امور پسندیده است؛<sup>۳</sup> به این معنا که اگر عرب بخواهد کسی را به عنوان دارنده همه فضایل و کمالات و خیرات نیک و پسندیده معرفی نماید، از او به «کریم» یاد می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰۵.

۲. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۰۳؛ محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه «کرامت».

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۲۹.

۴. اسماعیل‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ذیل واژه «کرم»؛ منصوربن‌محمد ازهری، تهذیب اللغة، ذیل واژه «کرم»؛ اسماعیل‌بن‌حما جوهری، صحاح اللغة، ذیل واژه «کرم».

کرامت، معادل فارسی ندارد؛<sup>۱</sup> اما آن را به «ارجمند»، «گرامی»، «بخشنده»، «جوانمرد»، «سخاوتمند»، «بزرگوار» و مانند آن معنا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ب. اهمیت کرامت

آنچه باعث می‌شود انسان از دیگر حیوانات، بلکه سایر موجودات متمایز شود، کرامت اوست. کرامت و مشتقات مختلف آن، ۴۷ بار در قرآن کریم و صدها بار در روایات به کار رفته است. این مطلب، نشان‌دهنده اهمیت کرامت در اسلام است.

قرآن کریم درباره جایگاه انسان در عالم هستی می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...<sup>۳</sup>؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم...»

مقصود از این آیه، بیان حال همه انسان‌هاست؛ صرف‌نظر از کرامت‌های خاص و فضایل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده شده است. پس، این آیه، مشرکان، کفار و فاسقان را نیز در نظر دارد و فقط شامل حال مؤمنان نیست؛<sup>۴</sup> اما آنچه باعث کرامت انسان شده، عقل و خرد اوست؛ خردی که با آن حق را از باطل، خیر را از شر، و سود را از زیان بازمی‌شناسند.<sup>۵</sup>

### ج. جلوه‌های کرامت

اینک که با اهمیت کرامت آشنا شدیم، شایسته‌است نگاهی به جلوه‌های

۱. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان؛ ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه «کریم».

۳. اسراء، آیه ۷۰.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۵.

۵. همان.

کرامت افکنیم تا بتوانیم کرامت انسانی را در خود و دیگران ایجاد و بارور نماییم.

### ۱. شناخت جایگاه انسان

یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های کرامت، شناخت جایگاه انسان است. اگر جایگاه انسانی خودمان را بشناسیم، بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه حل خواهد شد. کسی که به جایگاه واقعی خویش آگاهی دارد، به هیچ وجه کاری نمی‌کند که از آن منزلت رفیع تنزل یابد؛ ولی آن‌که نمی‌داند دارای چه جایگاه بلندی است، مرتکب بسیاری از اشتباه‌ها و گناهان می‌شود و خود و جامعه را به سوی نابودی سوق می‌دهد؛ چنان‌که خداوند متعال بر کرامت نوع انسانی تصریح کرده و فرموده: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»<sup>۱</sup>؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم...»

کرامت، در اصل آفرینش انسان لحاظ شده و با سرشت او عجین گردیده است و باید در همه رفتارها، گفتارها و کردارهای انسان جاری و ساری باشد و هرگونه رفتاری که با این اصل در تضاد باشد، از سوی هیچ‌کس پذیرفته نیست و با انسانیت انسان ناهماهنگ است و آدمی نباید چنین رفتاری را بپذیرد. قرآن در همه مواردی که برای انسان تعیین تکلیف می‌کند، این اصل را در نظر می‌گیرد و در هر جا که رفتاری با این اصل ناهماهنگ باشد، به ترک آن و هر چیزی که این اصل را تقویت کند، سفارش می‌کند.

خلاصه آنکه بین شناخت جایگاه انسان با کرامت انسانی، رابطه مستقیمی

وجود دارد و کسی که انسانیت خود را نشناسد، ممکن است از حیوان درنده بدتر شود و کارهایی انجام دهد که درندگان هم انجام نمی‌دهند. در جریان عاشورا نیز یکی از مهم‌ترین مشکلات و بدبختی‌های دشمنان امام حسین علیه السلام، این بود که جایگاه انسانی خود را فراموش کرده بودند. از این رو، آن حضرت همواره سعی داشت، آنان را با «جایگاه انسانی» خودشان آشنا کند؛ به عنوان نمونه، در آخرین لحظات زندگی و قبل از شهادت امام حسین علیه السلام، دشمنان، ناجوانمردانه به خیمه‌ها حمله کردند. در این هنگام بود که آن حضرت فریاد زد: «وای بر شما، ای پیروان خاندان ابی سفیان! اگر دین ندارید و شما را از روز بازپسین پروایی نیست، پس لااقل در دنیای خود آزادمرد باشید. اگر به گمان خود عربی نژادید، به شئون نژادی خود بازگردید.»

شمر گفت: ای پسر فاطمه! چه می‌گویی؟ حضرت فرمود: «من با شما جنگ می‌کنم و شما با من. زنان را در این میان، گناهی نیست.» سپس، از آنان خواست سربازان را از حمله به خیمه‌ها باز دارند. این سخن امام علیه السلام و توجه‌دادن به «جایگاه انسانی»، به گونه‌ای بود که حتی در بدترین آفریده الهی نیز کارگر افتاد. از این رو، دشمنان این پیشنهاد امام را پذیرفتند؛<sup>۱</sup> هر چند بعد از این، خلاف سخن خویش عمل کردند.

## ۲. حفظ آبروی انسان

یکی دیگر از جلوه‌های کرامت، حفظ آبروی انسان است. شخص کریم، همواره سعی می‌کند آبروی افراد حفظ شود؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام که

---

۱. سیدبن طاوس، اللهوف، ص ۱۱۹.

کریم‌ترین افراد بود، وقتی به دیگران چیزی می‌بخشید، آبروی آنان را حفظ می‌کرد. در روایتی می‌خوانیم:

یکی از انصار در مدینه به حضور امام حسین علیه السلام آمد و تقاضای کمک مالی کرد. امام حسین علیه السلام فرمود: «ای برادر انصاری! آبرو و شخصیت خود را از تقاضای رودررو حفظ کن؛ درخواست خود را در نامه‌ای بنویس. ان شاء الله، آنچه را موجب شادی تو است، انجام خواهم داد.»

مرد در نامه‌ای نوشت: پانصد دینار بدهکارم و طلبکار اصرار می‌کند که طلبش را بپردازم و از امام تقاضا کرد با طلبکار صحبت کند تا به او مهلت بدهد.

وقتی امام حسین علیه السلام نامه را خواند، به منزل رفت و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به آن مرد انصاری داد و فرمود: «با پانصد دینار، بدهی خود را بپرداز و با پانصد دینار دیگر، زندگی خویش را سر و سامان بده.» امام در ادامه فرمود:

«حاجت خود را جز نزد سه نفر، برای کس دیگری نگو: اول، دین‌دار؛ دوم، جوانمرد؛ و سوم، صاحب اصالت خانوادگی. اما دین‌دار، دینش نگهدار اوست [و مانع آن است که آبروی تو را ببرد]. شخص جوانمرد، به جهت جوانمردی‌اش از این کار شرم می‌کند و کسی که اصالت خانوادگی دارد نیز به دلیل نیازت، آبروی تو را نمی‌ریزد؛ بلکه با برآوردن حاجت تو، آبرویت را حفظ می‌کند.»<sup>۱</sup>

روایت فوق، درس‌های فراوانی به ما می‌آموزد؛ از جمله اینکه:

- شخصی که کرامت نفس دارد، تنها در صورتی که نیاز بسیار جدی داشته باشد، دست خودش را به سوی دیگران دراز می‌کند.

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۷.

- در صورت تقاضای مالی نیز سعی می‌کند، حتی‌الامکان آبروی خودش را حفظ نماید و از راه‌هایی مانند نوشتن نامه، حاجت خویش را ابراز می‌دارد؛ یعنی به جای تقاضای مستقیم، خواسته خود را می‌نویسد تا کمتر خجالت بکشد و اگر با پاسخ منفی نیز مواجه شد، خیلی دچار ناراحتی نشود.

- صاحب نفس کریم، تقاضاها و درخواست‌های خودش را از افراد بی‌ریشه، بی‌دین و بی‌مروت طلب نمی‌کند؛ زیرا چه بسا باعث می‌شود که آبرویش برود. - بین کرامت و حفظ آبرو، رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ زیرا از سویی، آن‌که کرامت نفس دارد، برای حفظ آبروی خود ارزش فراوانی قائل است و از سوی دیگر، در مواجهه با تقاضاهای مردم، به آبروی آنها توجه ویژه‌ای دارد.

- مؤمن باید همیشه عزیز باشد و حتی حاجات خود را نیز باید با عزت نفس طلب کند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ؛<sup>۱</sup> حاجت‌های خویش را با عزت نفس طلب نمایید.»

در روایت دیگری می‌خوانیم:

یک نفر اعرابی وارد مدینه طیبه شد و از کریم‌ترین مردم جویا شد. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به وی معرفی کردند. او داخل مسجد شد و دید که آن حضرت مشغول نماز است. مقابل آن حضرت ایستاد و اشعاری در مدح امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام سرود. امام عَلَيْهِ السَّلَام سلام کرد و به قنبر فرمود: آیا چیزی از مال حجاز باقی مانده؟ گفت: آری، مبلغ چهار هزار دینار (سکه طلا). امام دستور داد مال یادشده را بیاورند.

---

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۴.

وقتی آن را آوردند، امام سکه‌ها را در عبای خودش پیچید و برای آنکه فرد تقاضاکننده شرمنده نشود، از شکاف در سکه‌ها را به او بخشید و اشعاری خواند که طی آن، ضمن اظهار مهربانی به تقاضاکننده، از کم‌بودن اموالی که به او اهدا کرده بود، عذرخواهی نمود. وقتی آن مرد طلاها را گرفت، شروع به گریه کرد! امام حسین علیه السلام به وی فرمود: آیا برای اینکه بخشش ما اندک بود، گریه می‌کنی؟ گفت: نه؛ برای این گریه می‌کنم که چگونه خاک تو را می‌رباید و این‌گونه بذل و بخشش‌هایت را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

### ۳. تقویت روحیه عزتمندی

یکی دیگر از جلوه‌های ویژه و ممتاز کرامت نفس، عزتمندی است. نمی‌توان عزت نفس و کرامت را از یکدیگر تفکیک کرد؛ به دیگر سخن، کسی که کرامت نفس دارد، دارای روحیه عزتمندی است و عزت واقعی، بدون کرامت نفس به دست نخواهد آمد. شهید مطهری معتقد است: از امام حسین علیه السلام کلام بسیاری نقل نشده است؛ اما در خصوص موضوع کرامت و عزت نفس، نسبت به دیگر ائمه علیهم السلام روایات بیشتری از ایشان نقل گردیده است.<sup>۲</sup>

از جمله کلمات قصار امام حسین علیه السلام این است که: «مَوْتُ فِي عِرْزٍ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ»<sup>۳</sup> مردن با عزت، از زندگی در ذلت، بهتر است.»  
بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۴۰۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.



حسین مظهر آزادگی و آزادی است  
خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است  
نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو  
که این مرام حسین است و منطق دین است  
همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی است  
اگرچه گریه بر آلام قلب، تسکین است  
بین که مقصد عالی وی چه بود ای دوست  
که درک آن، سبب عزّ و جاه و تمکین است  
ز خاک مردم آزاده بوی خون آید

نشان شیعه و آثار پیروی، این است<sup>۱</sup>  
جمله معروف «هِيَاهَاتِ مِنَّا الدَّلَّةُ»، از جملاتی است که تا قیامت از آن،  
آزادگی، نور، حماسه، کرامت، عزت و شرافت نفس می بارد. آن حضرت در  
روز عاشورا، برای آنکه بهتر دیده شود، بر شتری سوار شد و خطاب به دشمنان  
فرمود:

«آگاه باشید که آن نابکار، فرزند نابکار، من را بین دو چیز مخیر کرده است؛  
بین ذلت و شمشیر (کشته شدن). هیاهات که ما ذلت را بپذیریم. نه خداوند و نه  
پیامبرش و نه مؤمنان و نه اجداد پاک و دامن های پاکیزه، چنین از ما نمی پذیرند  
که ما اطاعت لئیمان و پست فطرتان را بر خوابگاه (یعنی محلّ شهادت) مردمان  
بزرگوار ترجیح بدهیم.»<sup>۲</sup>

---

۱. خوشدل تهرانی.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸۳.

#### ۴. زمینه‌سازی دوری از گناه

یکی دیگر از عرصه‌های اصلی کرامت نفس، این است که صاحب نفس کریم، از گناه دوری می‌کند. از نگاه حضرت علی علیه السلام اگر آدمی منزلت کریمانه خودش را بشناسد، آن را با معصیت الهی خوار و ذلیل نمی‌کند؛ «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ»<sup>۱</sup>

از این رو، کسی که می‌خواهد در راه امام حسین علیه السلام و یارانش گام بردارد و صاحب کرامت نفس شود، یکی از اولین گام‌هایش، دوری از گناه است. از منظر امام علی علیه السلام، آدمی تا زمانی باید کرامت نفس خودش را نگاه دارد که او را بر اطاعت الهی یاری کند؛ «أَكْرَمُ نَفْسِكَ مَا أَعَانَتْكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> پس، کسانی که شخصیت و کرامت نفس دارند، شهوات و تمایلات نفسانی در نظر آنان پست و کوچک است؛ «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ] شَهْوَاتُهُ»<sup>۳</sup> تردیدی وجود ندارد که چنین افرادی، هیچ‌گاه دامن خود را به خواهش‌های پست دنیوی آلوده نمی‌کنند؛ «مَنْ شَرَفَتْ نَفْسُهُ تَرَهَّهَا عَنْ ذَنَاءَةِ الْمَطَالِبِ»<sup>۴</sup>

مواعظ امام حسین علیه السلام برای دوری از گناه و حفظ کرامت نفس، فراوان است و در این مقاله، تنها به یک مورد اشاره می‌کنیم:

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۱؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل،

ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۲. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۱.

۳. همان.

۴. همان.

شخصی نزد امام علیه السلام آمد و گفت: من مرد گناهکاری هستم و نمی‌توانم در برابر گناهان مقاومت کنم؛ مرا موعظه کن. امام علیه السلام به او فرمود: «پنج کار انجام ده و آنگاه هرچه خواهی، گناه کن؛ اول، از روزی خدا نخور؛ دوم، از ولایت الهی خارج شو؛ سوم، جایی پیدا کن که خدا تو را نبیند؛ چهارم، وقتی فرشته مرگ برای قبض روح آمد، او را از خود دور کن؛ پنجم، وقتی مالک دوزخ تو را وارد جهنم کرد، وارد جهنم نشو. سپس، هرچه خواهی، گناه کن.»<sup>۱</sup>

بدون تردید، دشمنان امام حسین علیه السلام و کسانی که با آن حضرت جنگیدند، پست‌ترین افراد و از زمره اشخاصی بودند که کرامت نفسانی خودشان را لگدکوب کرده بودند. پستی آنان در روز عاشورا به حدی رسیده بود که حتی وقتی امام علیه السلام می‌خواست سخن بگوید، به ایشان اجازه سخن گفتن هم نمی‌داند. امام حسین علیه السلام علت اوج انحطاط و پستی آنان را گناهان و از جمله حرام‌خوری دانستند. در آن روز، در لحظاتی که سپاه ابن‌سعد از هر طرف امام علیه السلام را احاطه کردند و حلقه محاصره را بر ایشان و یارانش تنگ نمودند، امام علیه السلام در برابر سپاه کوفه ایستاد و از آنها خواست که ساکت شوند؛ ولی آنان نپذیرفتند! با این حال، امام علیه السلام خطاب به آنها فرمود:

«وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید تا سخنان مرا گوش کنید؟ من شما را به راه راست دعوت می‌کنم... علت این سرپیچی شما، آن است که پادشاهی که [برای کشتن من گرفته‌اید]، حرام است و شکم شما، از حرام پُر شده است...»<sup>۲</sup> پس از این عتاب، آنان ساکت شدند و به سخنان

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۹.

امام گوش فرا دادند؛<sup>۱</sup> ولی متأسفانه، گناهان، آنان را به ورطه‌ای افکنده بود که هیچ راهی برای نجاتشان باقی نمانده بود.

این، درس بزرگی برای پیروان مکتب حسینی است که امام حسین علیه السلام با گناه مخالف بود و کسی نباید تصور کند صرفِ عزاداری و گریه برای سیدالشهداء علیه السلام، بیمه گنهکاران و مایه ایمنی از عذاب الهی است. پس، این سخن که امام حسین علیه السلام پیام کرد تا کفار گناه امت را بدهد و سنگر گنهکاران باشد، سخنی ناروا و از تحریف‌های معنوی عاشورا است.<sup>۲</sup>

### ۵. بی‌نیازی از مردم

یکی از بهترین جلوه‌های کرامت انسانی، بی‌نیازی از مردم است. امام جواد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاةٌ عَنِ النَّاسِ»<sup>۳</sup> عزت مؤمن، در بی‌نیازی او از مردم است.»

عزت ز قناعت است و خواری ز طمع

با عزت خود بساز و خواری مطلب

امام علی علیه السلام نیز فرموده: «اَفْتَنَعُ تَعَزُّ؛ قَانِعٌ بَاشَ، تَاعَزِيزُ شَوِي.»<sup>۴</sup>  
قناعت توانگر کند مرد را

خبر کن حریص جهان‌گرد را

مگر می‌بینی که دد را و دام

نینداخت جز حرص خوردن به دام

۱. همان.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۰۸.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۰۹.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۵۳.

پلنگی که گردن کشد بر وحوش

به دام افتد از بهر خوردن چو موش<sup>۱</sup>

پس، صاحب کرامت، هیچ‌گاه به جهت تأمین نیازهای اقتصادی و مالی خود، کرامتش را لکه‌دار نمی‌کند؛ ولی در مقابل، کسی که از کرامت انسانی بهره نبرده، حاضر است برای تأمین نیاز مالی و اقتصادی خویش، هر کار ناروایی را انجام دهد. از جمله این افراد، شمر بن ذی الجوشن بود.

شمر در ابتدا از یاران امیر مؤمنان، علی علیه السلام بود. وی در جنگ صفین، در کنار حضرت علی علیه السلام جهاد کرد و در مبارزه با یکی از سپاهیان شام، یعنی ادهم بن مُحرزِ باهلی، صورتش به شدت مجروح گشت؛<sup>۲</sup> اما بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام، کیسه‌های طلای معاویه او را فریب داد و به دشمن متمایل شد. او در سال ۵۱ هجری هنگام دستگیری حجر بن عدی، از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام، جزء کسانی بود که نزد زید بن ابیه به دروغ شهادت داد حجر مرتد شده و شهر را به آشوب کشیده است!<sup>۳</sup>

عمر بن سعد نیز نمونه‌ای دیگر از نگون‌بختانی بود که کرامت خود را برای کسب دنیای فانی از دست داد و برای آنکه امارت و فرماندهی بخش‌هایی از ایران، از جمله ری، به او واگذار شود، حاضر شد کرامت انسانی خود و خانواده‌اش را نابود سازد و با حسین بن علی علیه السلام بجنگد.<sup>۴</sup>

۱. مصلح‌الدین سعدی، بوستان، باب ششم: در قناعت.

۲. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

۴. همان، ص ۴۱۴.

امام حسین علیه السلام در جریان عاشورا بسیار تلاش نمود که کرامت واقعی و سعادت حقیقی را به عمرین سعد بازگرداند. از این رو، از او درخواست کرد در زمره یاران ایشان قرار گیرد؛ ولی ابن سعد نتوانست از جاه و مال دنیا روی برگرداند و با این بهانه که ابن زیاد خانه و اموال را از من می‌گیرد، از یاری امام زمان خویش سر باز زد.<sup>۱</sup>